

اهل بیت مراجعه کنند، چرا که آنان مفسران واقعی قرآن هستند. اهل بیت عصمت در نظر پیامبر به عنوان جانشینان او در تبیین معانی، مفاهیم و مقاصد قرآن اند، از این رو در احادیث گوناگون، منزلت آنان را بیان داشته است که به اختصار به دو حدیث نبوی اشاره می شود:

الف) حدیث ثقلین:

«قال رسول الله (ص): يا ايها الناس اني قد تركت فيكم الثقلين ما ان اخذتم به لن تضلوا، كتاب الله و عترتي، اهل بيتي»

«ای مردم من در بین شما دو چیز ارزشمند را فرار دادم، اگر بدان ها تمسک جوید، هرگز گمراه نمی شوید. کتاب خدا و عترت که همان اهل بیت من هستند (ترمذی، بی تا؛ ۷/۶۶۵؛ مجلسی، بی تا؛ ۱۰/۳۶۹ و ۳۷/۱۳۷؛ الدارمی، بی تا؛ ۲/۴۳۲؛ ابن حنبل، بی تا؛ ۴/۳۶۷)

ب) حدیث سفینه:

«قال رسول الله (ص): ان مثل اهل بيتي فيكم كسفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها غرق»

«اهل بیت من در میان امتم چون کشتی نوحند؛ هر کس بر آن کشتی سوار شد، نجات یافت و هر کس به آن پناه نبرد، غرق شد» (مجلسی، بی تا؛ ۲۳/۱۱۹)

بر اساس مفاد این دو حدیث، اهل بیت محور فهم و تفسیر قرآن هستند. مسلمانان باید به آنان مراجعه کنند، به آنان علاقه داشته باشند و دین و فهم قرآن را از آنان بیاموزند.

منزلت اهل بیت علیهم السلام در تفسیر از نگاه خودشان

اهل بیت عصمت و طهارت در مواردی به منزلت خود در تفسیر قرآن به منظور آگاهی دیگران و اتمام حجت بر مخالفان اشاره کرده و بیان داشته اند که مردم در تفسیر قرآن می باید به آنان مراجعه کنند و معارف و مقاصد قرآن را از آنان فراگیرند. از جمله این موارد است:

«قال علي (ع): ان الله طهرنا وعصمنا... وجعلنا مع القرآن و جعل القرآن معنا. لا يفارقنا ولا يفارقنا»

«حضرت علی (ع) می فرماید: خداوند ما را از پلیدی پاک و از هرگونه گناه دور داشته است ... ما را با قرآن قرار داده و قرآن را با ما، ما از قرآن جدا نمی شویم و قرآن نیز از ما جدا نمی شود.»
(کنزی، ۱۳۸۸ ق: ۱/۱۹۰)

امام صادق(ع) :

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ لَمْ يَزَلْ اللَّهُ يَبْعَثُ مِنَّا مَنْ يَعْلَمُ كِتَابَهُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ»
«خداوند متعال، همواره از بین ما اهل بیت کسانی را برمی گزیند؛ کسانی که بر کتاب خدا از آغاز تا پایش آگاه هستند» (حفار، ۱۴۰۴ ق: ۱۹۴)

از امام رضا علیه السلام درباره «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳) «اگر نمی دانید از اهل ذکر سوال کنید» پرسش شد؛ امام رضا (ع) فرمودند: «اهل ذکر ما هستیم از ما سوال کنید.» (مسند الامام رضا (ع)، ۱۴۱۸ ق: ۱/ ۳۴۸)

از این احادیث و همین طور روایات متواترنوی (چون حدیث ثقلین) نتایجی به دست می آید، از جمله: منوط بودن تفسیر قرآن به مرجعیت اهل بیت، همگامی یا همراهی عترت و قرآن، آگاهی بی نظیر ائمه معصومین از قرآن کریم.

امام رضا (ع) به عنوان هشتمین امام شیعیان بسیاری از آیات قرآن کریم را تفسیر و تأویل کرده اند. حال برای تطبیق و مقایسه تفسیر ایشان با تفاسیر کشاف، طبری، جوامع الجامع طبرسی و اثنا عشری به بررسی تعدادی از آیاتی که امام رضا تفسیر کرده اند می پردازیم و در پایان هر آیه تفسیر امام رضا (ع) و نتیجه مقایسه تفاسیر را بیان می کنیم.

۱- «...تَسْأَلُوهُ وَ فَتَسْتَبْشِرُهُمْ...» (توبه: ۶۷) : «... خداوند را فراموش کردند پس خدا هم آنان را فراموش کرد ...»

بحث فراموشی که طبق لفظ و ظاهر این آیه به خداوند منتسب شده است، محل تفسیر و سوال مفسران شده است:

صاحب کشاف در توضیح «فَتَسْتَبْشِرُهُمْ» می گوید: «فَتَرَكْنَهُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ فَضْلِهِ» یعنی «نسی» را

سید علی حسینی

کتابخانه

به معنای «ترک» تفسیر کرده و به تفسیری بلاغی و لغوی بسنده کرده است (زمخشری،

۱۴۰۷ ق: ۲/ ۲۸۷)

طبری در جامع البیان از طریق روایی و چند واسطه تا به قتاده می‌رسد، هم «نسی» را به «ترک» تعبیر کرده است و به این صورت ترجمه کرده که آنها خدا را ترک کردند، خداوند نیز آنان را از توفیق و هدایت و رحمتش رها کرد. (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۰/ ۱۲۱)

طبرسی، مفسر مشهور شیعی «تسوا لله» را همان معنای لغوی کلمه که از یاد بردن و فراموش کردن می‌باشد تعبیر کرده و «فَنَسِيهِمْ» را به معنای «دریغ کردن فضل و رحمتش از آنان» به کار برده است. (طبرسی، ۱۳۷۷ ش: ۳/ ۵۶۵)

حسین بن احمد معروف به حسینی شاه عبدالعظیمی در تفسیر روایی خود به نام «تفسیر اتنا عشری» دست به تفسیر بلاغی می‌زند و می‌نویسد: ذکر «نسیان» به طریق «ازدواج» است چه نسیان به ساحت جلال الهی جایز نیست پس مراد لازم آن باشد یعنی «ترک».

صاحب تفسیر اتنا عشری برای اثبات سخن خود به نمونه‌ای از تفسیر حضرت علی (ع) در آیه‌ای مشابه که «نسی» را «ترک» تفسیر کرده‌اند، استناد کرده است. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۵/ ۱۳۸)

و اما تفسیر امام رضا (ع) در مورد این آیه: خداوند متعال نه فراموش می‌کند و نه غفلی بر او عارض می‌شود و فقط مخلوقی که آفریده شده است دچار سهو نسیان می‌شود، مگر نشنیده‌اید که خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (برائت: ۶۷) «و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است» البته او، کسی را که فراموش کند و روز ملاقات با او را از یاد ببرد، مجازات می‌کند، به این صورت که آنان را از یاد خویشتن غافل می‌کند، همانگونه که فرموده است:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر: ۱۹)

«و چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کرده‌اند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان هم

نافرمانند»

و نیز فرموده است:

«...فالبیوه نساها کما نسوا ثماء یومئذ هذال...» (اعراف: ۱۵)

«پس همان گونه که دیدار امروز خود را زیاد بردند، ما هم امروز آنان را زیاد می بریم» یعنی آنها را رها می کنیم همچنان که آنان آمادگی چنین روزی را کسب نکردند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۱۵۹)

همان گونه که ملاحظه می شود، امام در این آیه شریفه، نسیان را به معنی «ترک» تفسیر کرده اما از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده است و برای تحکیم و اثبات تفسیر خویش از دیگر آیات قرآن بهره برده اند و سوءظن انتساب نسیان به ساحت مقدس باری تعالی را که در قرائت اولیه آیه برای اغلب خوانندگان حاصل می شود می زداید. اما دیگر تفاسیر به شیوه لغوی و بلاغی سعی در تفسیر معنای «نسی» به «ترک» داشته اند بدون اینکه توضیحی اضافی در این خصوص ارائه کنند.

۲ - «تَوَّءَ لُتْسَالُ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» (تکوثر: ۸) (پس همان روز که از نعمت روی زمین پرسیده خواهید شد)

این نعیم یا نعمتی که در روز قیامت درباره آن سوال می شود چیست؟

صاحب کشف بدون نقل قول از کسی به صورت «فان قلت...قلت...» نعیم را نعمت کسی می داند که تمام هم خود را صرف این زندگی می کند که خوب بخورد و خوب بپوشد و وقتش را به لهو و لعب بگذراند و به علم و عمل توجهی ندارد و خود را برای علم و عمل به زحمت نمی اندازد؛ اگر کسی نعمت خدا و روزی وی را برای علم و عمل به کار گیرد و شاکر خداوند باشد، از سوال به دور خواهد بود و از رسول خدا(ص) نقل شده که: هر کس «الهاکم التکثر» را بخواند خداوند حساب نعمت هایی که در دنیا به وی داده، نمی کشد و اجری معادل کسی که هزار آیه خوانده به وی می بخشد»

جامع البیان طبری تعبیر مختلف نعیم را از قول راویان مختلف بیان می کند که خلاصه ای از آن به شرح ذیل است: برخی می گویند «نعیم» امنیت و سلامتی است، ابن مسعود، مجاهد،



فدکی، سال دوم، شماره ۵، ۴۰

سفیان و شعبی می گویند منظور امنیت و سلامتی است، ابن عباس و حسن می گویند منظور سلامتی تن و گوش و چشم است. برخی دیگر از جمله ابوهریره از پیامبر نقل می کند که منظور (الظل الیارد، الرطب الیارد، علیه الماء الیارد) است. ابو بصیره از پیامبر نقل می کند که نان جو الک نشده، گوشت حیوان فربه و آب رودخانه همه جزو نعمت هایی هستند که درباره آنها، روز قیامت سوال می شود. محمدبن لبی از پیامبر نقل می کند منظور از نعیم در این سوره «اسودان» (دو سیاه: نان و خرما) می باشد. در جای دیگر از ابوهریره به نقل از پیامبر (ص) نقل می کنند: «اولین نعمتی که روز قیامت درباره آن سوال می شود اینست که: آیا به تو سلامتی جسم ندادیم و آیا از آب سرد سیراب نشدی؟» و در ادامه، طبری از راویان مختلف تعابیر مختلفی چون نان گندم و آب گوارا، عسل، لذت دنیا، پوشش و سرپناه و غذا و... را نقل می کند. در پایان نتیجه می گیرد که «النعیم» عام است و مختص نعمت خاصی نیست و از همه نعمت ها سوال می شود (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳۰ / ۱۸۶ - ۱۸۴).

طبری در جوامع الجامع «نعیم» را لذت هایی می داند که شما را از کارهای دینی باز می دارد (طبری، ۱۳۷۷ش: ۱۶ / ۶۰۷).

در تفسیر اثنا عشری خلاصه ای از آنچه در تفسیر کشاف و جامع البیان و جوامع الجامع ذکر شده، بدون ذکر راوی بیان شده است که: منظور از نعیم (۱ - نعمت هایی است که بدان مشغول شدید و از ستایش منعم غافل شدید ۲ - آب سرد سایه خنک یا لذت خواب ۳ - ماکل و مشرب و ملاذ ۴ - صحت و فراغت ۵ - نان گندم و آب سرد و نشیمنی که در آنجا متوطن شوید ۶ - نعمت صحت و گوش و چشم و قلب ۵ - سنت نبوی) سپس روایت امام باقر و امام صادق را ذکر می کند که: «مراد از این نعمت ولایت امیرالمومنین است که تمامیت نعمت به آن است. سپس به نقل از تفسیر عیاشی می نویسد: ابوحنیفه درباره نعیم از حضرت صادق (ع) پرسید، حضرت فرمود: نعیم نزد تو چیست؟ گفت: طعام و آب سرد و حضرت فرمود: اگر حق تعالی روز قیامت تو را در حساب نگاه دارد تا آنکه تو را از هر نعمت و شربت آبی که نوشیدی سوال کند پس وقوف تو به طول انجامد. گفت: فدایت شوم پس

نعمت کدام است؟ فرمود: نحن اهل البيت.

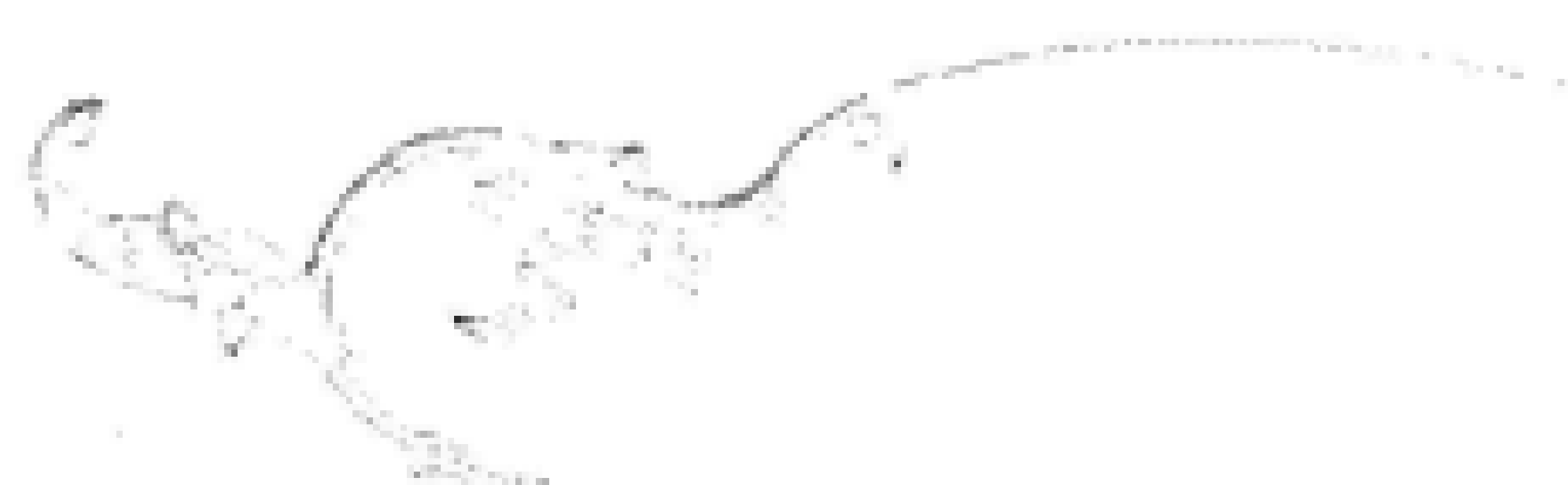
تفسیر اثنا عشری به نقل از عیون اخبار الرضا(ع) تفسیر امام رضا (ع) از معنای نعیم را نیز ذکر کرده است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۲ش، ۱۴ / ۳۳۳ - ۳۳۲).

اما تفسیر امام رضا(ع)؛ به ایشان عرض شد معنای نعیم در آیه «لَمَّا لَسْنَا نَعْمِدُ عَنِ النَّعِيمِ» چیست؟ آیا به معنی آب سرد است یا طعام پاکیزه یا خواب نیکو؟ امام فرمود: خداوند از آنچه به بندگانش تفضل فرموده است سوال نمی کند و بر آنان منت نمی گذارد... لیکن «نعیم» حب ما اهل بیت است، از آن جهت که چون بنده به دوستی ما وفا کند، به بهشت می رود و پدر بزرگوارم از اجداد طاهریم و از رسول خدا روایت کرده اند که پیامبر فرمود: یا علی همانا اول چیزی که از بنده سوال می شود شهادت لا اله الا الله، محمد رسول الله است. پس شهادت به ولایت توست لذا کسی که اقرار کند و به آن معتقد باشد، او را نعیمی دهند که از برای آن زوالی نباشد. (شیخ صدوق، بی تا، ۱۲ / ۱۲۹).

آنچه که از مقایسه این تفاسیر در مورد آیه ۸ سوره تکوین حاصل می شود این است که هر کدام از تفاسیر مصداق هایی از لذت های دنیایی چون: طعام، آب گوارا، خرما، نان جو، امنیت و سلامتی و... را یادآور می شوند و البته تفسیر اثنا عشری از آنجا که مجموعه ای از تفاسیر مختلف را در خود جمع کرده است طبیعتاً تفسیر امام رضا (ع) را نیز به نقل از ایشان ذکر کرده است و اما تفاوت تفسیر امام رضا علیه السلام این است که از مصداق ها و تفاسیر گذشته است و به تأویل و اصل معنا رسیده است و مهم تر از همه اینکه در میان شیوه های روایی به شیوه مائور که متقن ترین آن نزد شیعه می باشد روی آورده است و البته برای توضیح مسئله از راه حل عقلی بهره جسته است.

۳- آیه ۲۲ سوره فاطر می فرماید:

«لَمَّا أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُاذِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا ...»





«ما آن خاندان را که از بندگان خود برگزیدیم وارث کتاب قرآن گردانیدیم باز هم بعضی از آنها به نفس خود ظلم کردند و بعضی راه عدل پیمودند و برخی به هر عمل خیر به دستور حق سبقت گیرند. این رتبه است در حقیقت همان فضل بزرگ.»

در این آیه «الذین اصطفینا» چه کسانی هستند؟ این سوال بسیاری از تفاسیر است. صاحب کشف «الذین اصطفینا» را اینگونه تفسیر کرده است: منظور، امت رسول خداست از صحابه و تابعین گرفته تا تابع تابعین و پس از آن تا روز قیامت؛ چرا که خداوند آنها را بر سایر امت ها برگزیده است و این امت سه گروهند برخی ظالم به نفس خویش و مجرم هستند و برخی مقتصد (میانه) که عمل صالح را با سینه مخلوط کرده اند و برخی سابقین به خیرات (کسانی که در کار خیر سبقت می گیرند). زمخشری در ادامه تفسیر می گوید: این آیه ثواب را به سابقین اختصاص می دهد و در مورد بقیه گروه ها سکوت می کند و این نشانه بر حذر داشتن است؛ یعنی اینکه مقتصد و ظالم به نفس باید بترسند، توبه نصوح کنند و شرط آن صحت توبه است. دلیل ذکر مقتصد پس از ظالم لنفسه و در پایان ذکر کردن سابقین، اطلاع دادن در مورد زیاد بودن تعداد فاسقین به نسبت مقتصدین و کم بودن سابقین به نسبت این دو گروه است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۳/ ۶۱۳).

اما تفسیر طبری در جامع البیان به نقل از راویان مختلف، تفاسیری مختلف اما تقریباً شبیه به هم از «الذین اصطفینا» ارائه می دهد: با چندین واسطه به نقل از عبدالله بن مسعود می نویسد: این امت (امت محمد (ص)) در روز قیامت سه دسته اند: یک دسته بدون هیچ حسابی وارد بهشت می شوند، یک دسته به آسانی حسابشان بررسی می شود و یک دسته با گناهان بزرگ وارد می شوند تا حدی که به آنان گفته می شود اینها چیست؟ ملائکه می گویند اینان گناهانی بزرگ انجام داده اند اما به تو شرک نداشته اند و خداوند می فرماید: پس در رحمت واسع من وارد شوید. طبری در ادامه از کعب احبار نقل می کند که همه این امت از ظالم به نفس و مقتصد و سابق در خیرات، وارد بهشت می شوند. و از ابو اسحاق نقل می کند که همه امت محمد (ص) نجات می یابند. از محمد بن حنیفه هم نقل می کند امت

محمد امتی است که ظالمش بخشیده می شود و مقتصدش در بهشت است و سابق به خیراتش در درجات عالی نژد خداوند است و از عکرمه و او از عبدالله نقل می کند که از سه گروه: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» دو گروه در بهشت هستند و یکی در جهنم. و از ابن عباس نقل می کند که اهل ایمان در سه منزلند مانند سخن خداوند: (أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ) (واقعہ: ۴۱) و (أَصْحَابُ الِیْمَنِ مَا أَصْحَابُ الِیْمَنِ) (واقعہ: ۲۷) (و السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) (واقعہ: ۱۱) و از مجاهد شبیه همین سخن را نقل می کند و از قتاده نقل می کند «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ» همان منافق است ولی «مُقْتَصِدٌ» و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» بهشتی خواهند بود و باز هم از قتاده نقل می کند که مردم در دنیا، در هنگام مرگ و در قیامت سه دسته اند: در دنیا؛ مومن، منافق و مشرک و اما زمان مرگ: مقربین که ریحان جنات نعیم سهم آنها می شود و اصحاب یمین که سلام بر آنها باد و مکذبین ضالین که جهنم و خوراکی از آتش گذاخته نصیب آنها می شود و در آخرت هم سه گروهند: اصحاب الیمین، اصحاب المشئمہ و السابقون و یک قول دیگر این است که ظالم به نفس وقتی که عقوبت گناہانی که در دنیا انجام داده است را چسید، وارد بهشت می شود. در این صورت صحیح است که هر سه گروه وارد بهشت شوند. و بدون ذکر واسطه های مشخص از پیامبر نقل می کند که «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» همه به منزله واحد هستند و همه در بهشت هستند. و یک قول اینست که منظور از کتاب، کتبی باشد که قبل از «فرقان» نازل شده، در این صورت این سوال مطرح می شود که چگونه است در حالیکه امت محمد(ص) جز کتاب خود را نمی خوانند و جز به احکام و شرایع موجود در کتاب خود عمل نمی کنند؟ پاسخ این است که معنی آیه این است: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْإِيمَانَ بِالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» کسانی که به همه کتاب های آسمانی ایمان آورده اند به قرآن ایمان می آورند و چون کتاب های آسمانی همه بر عمل به قرآن در موقع نزولش تاکید دارند، ضری. ۱۴۱۲ ق: ۲۲/۹۰-۱۸۷

طبرسی در جوامع الجامع در تفسیر «برگزیدگان» اینگونه می نویسد: «ان بندگان برگزیده، عالمان و دانشمنداند، زیرا در حدیث آمده است که: عالمان وارثان پیامبرانند و از



امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که فرموده اند: این آیه مخصوص ماست و مقصود آن ماهستیم، و این قول صحیح است چرا که این خانواده به برگزیده شدن از طرف خدا شایسته تر و سزاوارترند، زیرا تنها آنها هستند که وارث پیامبران و پیشوای دانشمندان و نگهبانان قرآن و دانا به حقایق آن هستند.

درباره «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ» ابن عباس و حسن گفته اند: ضمیر در «منهم» به «عباد» برمی گردد و سید مرتضی قدس سره هم این قول را اختیار کرده و گفته است: خداوند علت واگذاری وراثت کتاب را به برگزیدگان از مردم چنین فرموده است: که بعضی از بندگان به خود ستم می کنند و بعضی مقتصد و برخی سابق به خیراتند (طبرسی، ۱۳۷۷ ش: ۵ / ۲۲۵)

تفسیر اثناعشری اینگونه می نویسد که: در بیان آیه شریفه مفسرین را اقوالی است: ۱- مراد بنی اسرائیل هستند. ۲- امت مرحومه اند. ۳- انبیاء هستند. ۴- علماء این امتند. ۵- از حضرت باقر و صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: «این آیه مخصوص به ما باشد و حق تعالی به این آیه ما را خواسته نه غیر ما، و این اقرب اقوال به تقریر مطلب و احادیث آل عصمت است.

صاحب تفسیر اثناعشر در تأیید این سخن احادیثی از امام کاظم (ع)، امام رضا (ع)، امام حسن عسکری (ع) و امام باقر (ع) ذکر می کند. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش: ۱۱ / ۳۸ - ۳۶)

و اما تفسیر امام رضا (ع): امام رضا (ع) در مجلس مأمون که در آن گروهی از علمای عراق و خراسان گرد هم آمده بودند، حضور یافت. مأمون گفت: معنی این آیه را به من بفرمایید: «أُولَئِكَ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ...»، علما گفتند: منظور خداوند همه امت اسلام است. مأمون گفت: ای ابوالحسن تو چه می گویی؟ امام رضا (ع) فرمودند: آن گونه که آنان گفتند، نمی گویم ولی می گویم منظور خداوند متعال از این برگزیدگان، عترت پاک رسول خدا است... علما گفتند: ای ابوالحسن به ما بگو «عترت» همان آل هستند یا غیر «آل»؟ امام رضا (ع) فرمود: آنان همان آل هستند. علما گفتند پس این همان رسول خدا (ص) است که از او روایت شده که ایشان فرمودند: «امت من آل من هستند» و آنان اصحاب او هستند. امام رضا (ع) فرمود: به من بگویید آیا صدقه بر آل محمد نیز حرام است؟ گفتند: آری! امام علیه السلام

فرمود: پس آیا بر امت نیز حرام است؟ گفتند: نه! امام علیه السلام فرمود: این فرق میان آل و امت است. مأمون گفت: آیا خداوند عترت را در قرآن بر مردمان دیگر برتری داده است. امام رضا (ع) فرمود: به درستی که خداوند بزرگ، عترت را در آیات محکم کتابش بر دیگر مردمان برتری داده است؟ مأمون گفت این برتری دادن در کجای کتاب خداست؟ امام (ع) فرمود: در سخن خدای تعالی:

«ان الله اصطفى آده و نوحاً و آل ابرهیم و آل عمران علی العالمین. ذریه بعضها من بعض...»
(آل عمران: ۳۳-۳۴)

«به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را به مردم جهان برتری داده است. فرزندان آنی که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند...»
و خداوند در جای دیگر فرمود:

«أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَی مَا آتَاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا هُمْ مَلْئُکًا عَظِیْمًا»
«بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند. درحقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم.»
(نساء: ۵۴)

آنگاه روی سخن را به مومنان دیگر بازگردانده و فرموده است:
«یا ایها الذین آمنوا اضعوا اللّه و اضعوا الرسول و تونی الامر منکم...»
یعنی کسانی که کتاب خدا و حکمت را به ارث بردند و به خاطر این دو میراث به آنان رشک برده شد درحالیکه اطاعت از آنان واجب است، علما گفتند آیا خدای تعالی، برگزیدگی را در قرآن تفسیر فرموده است؟ امام رضا (ع) فرمود: برگزیدگی (اصطفاء) را به غیر از باطن آیات در ظاهر آیات در ۱۲ مورد تفسیر فرموده است که در اینجا به اختصار به ذکر ۵ مورد بسنده می کنیم:
الف) سخن خداوند که فرموده است:

«و نذر عتیرتک الاقربین» (اشعراء: ۱۲۱۴)
«و خوبیشان نزدیکت را هشدار ده»



ب) و نیز فرموده است:

«...انما بُرِئَ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً» (حزاب: ۳۳)
 «و خداوند فقط می خواهد بودگی را از شما خاندان پیامبر بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند»
 و این فضیلتی است که کسی جز دشمن و معاند آن را نکارت نکند، زیرا فضیلتش آشکار است.

پ) نگاه که خداوند پاکان را از فریدگان خویش متمایز ساخته و به پیامبرش در آیه مباحله فرموده:

«...فَلْيَتَّخِذُوا آلَ إِبْرَاهِيمَ أَوْلِيَاءَ لِيُذْهِبَ اللَّهُ بِلُجُومِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ لِيُذْهِبَ اللَّهُ بِلُجُومِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ لِيُذْهِبَ اللَّهُ بِلُجُومِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ» (آل عمران: ۶۱)

«...بگو: باید بر ائمان و بر ائمان و بر ائمان و بر ائمان. و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم: سپس مباحله کنید و نعت خدا را بر هر دو فرموده».

پس پیامبر، علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام را آورد و آنان را همپای خویش قرارداد. امام رضا (ع) در ادامه، بر این نکته در این آیه شریفه تصریح کردند که مقصود از «انفسنا» مسلماً تنها علی علیه السلام است... و این امتیازی است که هیچ کس به آن پیشی نگرفته، زیرا علی (ع) به منزله پیامبر محسوب شده است.

ج) و خداوند متعال فرمود:

«...وَقُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (شوری: ۱۲۳)

«...بگو به برای آن رسالت پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان...»

این امتیاز ویژه و فضیلتی برای آل پیامبر است نه دیگران.

چ) ما همان اهل ذکری هستیم که خداوند در آیات محکم کتابش فرمود:

«...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (احزاب: ۴۳)

«پس اگر نمی دانید از اهل ذکر جویا شوید»

علما گفتند بی گمان مقصود خداوند از این اهل ذکر، علمای یهود و نصاری است. امام رضا (ع)

فرمود: آیا چنین سخنی صحیح و روا باشد؟ در این صورت آنان ما را به دین خویش می خوانند و می گویند: به راستی دین ما بهتر از دین اسلام است. مأمون گفت: ای ابوالحسن، آیا شرحی مخالف گفته علما داری؟ امام علیه السلام فرمود: آری! ذکر، رسول خدا (ص) است و ما اهل و خاندان او هستیم و این سخن در کتاب خدا آشکار است، بنا بر سخن خدا در سوره طلاق که فرموده:

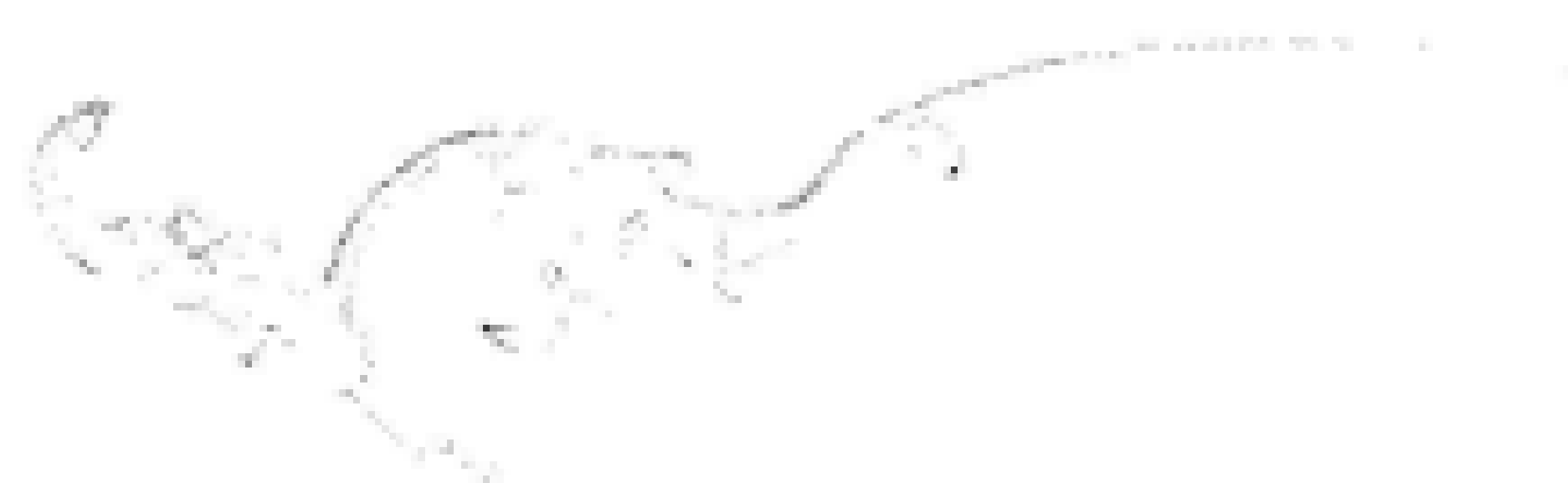
«... فاتقوا الله يا اولى الألباب الذين قد أنزل الله إليكم ذكراً ﴿١٠﴾ رسولاً يتلوا عليكم آيات الله بينات ...» (طلاق: ۱۰-۱۱)

«... پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید، راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند...»
(شیخ صدوق، بی تا: ۱۶۸-۱/۱۸۰)

در بررسی و مقایسه این تفاسیر به نظر می رسد تفاسیر اهل سنت (کشاف و طبری) در مورد «الذین اصطفینا»، تأکید خود را بر امت محمد (ص) قرار داده اند که بالأخره همه این امت پس از توبه یا بخشوده شدن گناهان، یا پس از دیدن سزای اعمال، وارد بهشت می شوند و البته طبری به این دلیل که یک تفسیر روایی است روایت های دیگری نیز نقل می کند و تقسیم بندی های مختلف از جمله اصحاب یمن و شمال و سابقین، مومن و منافق و مشرک، مقرین و اصحاب یمن و مکذبین، اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و سابقون و... نقل می کند و آنگاه برای خودش هم این ابهام به وجود می آید که چگونه همه اینها (از نیکو گرفته تا مجرم) وارد بهشت می شوند؟ و پاسخ می دهد: که ظالم به نفس وقتی عقوبت گناهان خود را چشید وارد بهشت می شود.

و اما طبری به تفسیر ماثور و حدیث امام باقر و امام صادق علیهما السلام بسنده می کند و تفسیر اثنا عشری هم که بیشتر ناقل تفاسیر پیش از خود است، اقوال مختلف را خلاصه وار آرایه می دهد و نظر صاحب این تفسیر نیز مانند طبری بر احادیث ماثور از ائمه از آن جمله امام رضا (ع) می باشد و «الذین اصطفینا» را اهل بیت علیهم السلام می داند.

امام رضا (ع) از طریق این آیه مبانی مشروعیت امامت در اندیشه شیعه را به استناد به قرآن به بهترین شکل بیان می دارند ایشان از طریق عقلی و همچنین از راه تفسیر قرآن به قرآن منظور از «الذین اصطفینا» را که بسیاری از تفاسیر آن را همه امت محمد (ص) می دانند رد



می کند و دلایل خویش را با استناد به ۱۲ مورد از آیات قرآن مبنی بر برگزیده بودن اهل بیت علیهم السلام تشریح می کنند.

۴) خداوند می فرماید:

«رَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَلْبُوكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مُعْتَدُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيُقَوِّضَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ» (هود: ۱۱)

«او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید. و عرش او بر آب قرار داشت تا اینکه شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است، و اگر بگویید شما پس از مرگ برانگیخته می شوید. آنها که کافران می گویند: این نیست مگر سحری آشکار»

خلق آسمان ها و زمین در شش روز و عرش بر روی آب، سوالاتی در زمینه چگونگی ابتدای خلقت ایجاد می کند که در تفاسیر مختلف درباره آن بحث شده است: زمخشری در تفسیر کتشاف در این باره می نویسد: عرش او بر آب بود یعنی زیر و بالای عرش فقط آب بود و این دلیلی است بر اینکه عرش و آب پیش از آسمان ها و زمین آفریده شد و گفته می شود آب بر روی باد بوده است و هرطور که بوده خداوند آن را از راه قدرتش نگاه داشته و هر چه قدر جرم ها بیشتر می شد نیاز بیشتری به تکیه داری داشتند. «لِيَلْبُوكُمُ» «تا آزمایش کند شما را» به این معنی است که برای اینکه با شما آن کند که آزمایش کننده در ازای اعمال شما انجام می دهد. «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» خطاب به مومنین است چون اعمال مومنین به «حسن» و «أَحْسَنُ» تقسیم می شود و اما اختلاف اعمال مومنین و کافرین در «حَسَنُ» و «قَبِيحُ» است پس «هُوَ أَحْسَنُ عَمَلًا» منظور متقین می باشد و این برای به دست آوردن آنچه که غرض خداوند است با هم مسابقه می دهند و از پیامبر روایت شده است:

« لِيَلْبُوكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَأَرْوَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَأَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ »

(زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۳۸۱ - ۳۸۰)

کتابخانه دیجیتال جامع امام رضا (ع)

طبری در جامع البیان در مورد خلقت آسمان ها و زمین و در تفسیر این آیه می نویسد: خداوند می فرماید که آسمان ها و زمین و آنچه در آن است را در شش روز آفرید آیا از اینکه شما را پس از مرگتان زنده کند ناتوان است؟ یا بیان خلق آسمان ها و زمین از ذکر آنچه در این دو آفرید صرف نظر کرد. سپس از این هریره نقل می کند که پیامبر فرموده: خداوند خاک را در روز شنبه، کوه ها را در روز یک شنبه، درخت را در روز دوشنبه، مکروه را در روز سه شنبه و نور را در روز چهارشنبه آفرید و همه جنیندگان را در روز پنج شنبه در آن پراکند و آدم را در آخرین ساعات روز جمعه (بین عصر تا شب) آفرید. و از این جریح نقل شده است: از این شش روز، زمین را در دو روز آفرید و خوراکی ها را هم در دو روز آفرید و روز جمعه این کار را تمام کرد و آدم را در آخرین ساعت روز جمعه آفرید. از ضحاک نقل شده است: هر روز به اندازه هزار سال است خلقت در روز یک شنبه شروع شد و روز جمعه ختم شد و روز شنبه چیزی خلق نشد.

در مورد «کان عرشه علی الماء» از مجاهد نقل شده: پیش از آفرینش آسمان ها و زمین آب آفریده شده است، که این ابتدای آفرینش است. از ابن زرین عقیلی نقل شده که از رسول خدا پرسیدم پیش از خلقت آسمان ها و زمین خداوند کجا بود؟ فرمود: در ابر بلند و پر بارانی که بالای آن هوا و زیر آن هم هوا بود و پس از آن عرش خود را بر آب ساخت. از ابن عباس نقل شده: عرش او بر آب بود و آب بر روی باد بود و از ضمیره نقل شده: عرش خداوند بر آب بود و آسمان ها و زمین را به حق آفرید و قلم را آفرید و سپس با آن (پیش از آفریده شدن مخلوقی) آنچه را خلق کرده نوشت و این نوشته ها پیش از به وجود آمدن، هزار سال خداوند را تسبیح کردند.

«لَیْلُوْكُمْ» برای اینست که شما را بیازماید که کدام یک طاعت بهتری دارید. عبدالله بن عمر از پیامبر (ص) نقل کرده که ایشان هنگام تلاوت «لَیْلُوْكُمْ اَیْکُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا» فرموده اند:

«أَیْکُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَ اَرَوْعُ عَنِ مَحَارِمِ اللّٰهِ وَ اَسْرَعُ فِی طَاعَةِ اللّٰهِ»





«کدام یک نیکوتر عمل می کنید یا از محارم خداوند بیشتر برهیز می کنید یا در طاعت خداوند سریع تر هستید.» (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۲/۵ - ۳)

طبرسی در جوامع الجامع در مورد «کان عرشه علی الماء» می نویسد: قبل از اینکه آسمان ها و زمین آفریده شود و عرش بر روی آنها قرار گیرد در زیر عرش چیز دیگری جز آب نبود و این مطلب دلالت می کند بر اینکه عرش و آب پیش از آفرینش آسمان ها و زمین آفریده شده اند. کلمه «لِیَلُوْكُمْ» متعلق به «خلق» است، یعنی آسمان ها و زمین را برای حکمتی آفرید و آن این است که بندگان را در آنها جای دهد و نعمت های گوناگون در آنجا به آنها ارزانی فرماید و آنها را مکلف کند و در معرض اجر آخرتشان قرار دهد و چون این امر شباهت به یک آزمایش دارد؛ لذا آن را با کلمه «لِیَلُوْكُمْ» بیان کرده زیرا در آزمایش معنای «علم» نهفته است و آزمایش طریق به سوی آن است. مراد از «نیکوترین افراد از حیث عمل» پرهیزگاران می باشند و به دلیل بزرگداشت آنان و تبلیغ فضیلت آنها از ایشان به طور ویژه یاد کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۷ ش: ۳/۱۱۵ - ۱۱۴)

تفسیر اثناعشری در مورد «سته آیام» می نویسد: وجود خلقت بدین مدت با قدرت به ایجاد آنها به مقدار چشم به هم زدنی، بلکه کمتر از آن ممکن است بیان شود که امور جاریه در تدبیر بر منهای حکمت ایجاد شود، بروفق ترتیب به جهت مصلحتی که دربر دارد و یا علام مکلفین است که تانی در کارها پسندیده باشد نه تعجیل و شتاب زدگی یا تنبیه بر حدوث آنها و استدلال به وجود صانع حکیم و خالق قدیم.

«وکان عرشه علی الماء»: و بود عرش الهی بر آب پیش از خلق آسمان و زمین و این دالست بر آنکه عرش و آب قبل از آسمان و زمین موجود و آب به قدرت کامله الهیه قرارداشت و در این قرار بدون مقر اعتبار و عبرتی است برای اهل انکار و عناد.

حق تعالی ایجاد مخلوق و تدبیر امور فرمود «لِیَلُوْكُمْ اَیُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا»: تا معامله نماید با شما معامله آزمایش کننده از جهت عمل نیکو و پسندیده، یعنی جزا و پاداش بر وفق اعمال مکلفین باشد نه بر طبق علم الهی، پیش از وقوع معلوم در خارج. حاصل آنکه گرچه

علم ازلی احاطه دارد به تمام افعال بندگانه از کلی و جزئی، ظاهری و باطنی، لکن جزا و سزا تابع به جا آوردن آنهاست. صاحب تفسیر اثنا عشری تفسیر امام رضا (ع) از این آیه را نیز نقل می کند همچنین تفسیر امام صادق (ع) در مورد «أحسن عملاً» که تأکید بر نیت عمل دارد را به تفصیل ذکر می کند. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۶/ ۲۴ - ۲۲)

اما تفسیر امام رضا از این آیه: ابوصلت هروی می گویند: روزی مأمون درباره این آیه از امام علیه السلام سوال کرد «هو اوست که آسمان ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام نیکو کارترید...» حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی، عرش (تخت پادشاهی)، آب و ملائکه را قبل از خلقت آسمان ها و زمین آفرید و ملائکه با توجه کردن به خود، عرش و آب، به وجود خداوند استدلال می کردند، سپس خداوند عرش خود را روی آب قرار داد تا بدین وسیله قدرت خود را به ملائکه نشان دهد. تا ملائکه بفهمند که خداوند بر هر کاری تواناست، سپس با قدرت توانایی خویش عرش را از جای خود انتقال داد و بر فراز آسمان های هفتگانه قرار داد، آنگاه درحالی که بر عرش خود تسلط و استیلا داشت، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، هرچند توانایی داشت که در یک چشم به هم زدن این کار را انجام دهد لکن آنها را در شش روز آفرید تا با این کار آنچه که از آسمان ها و زمین می آفریند، کم و یکی یکی به ملائکه نشان دهد تا به وجود آمدن هر یک از آنها در هر مرتبه، برای ملائکه دلیل باشد بر قدرت خداوند، و خداوند عرش را به خاطر نیاز آنها آفریده است؛ زیرا او از عرش و تمام مخلوقات بی نیاز است. در مورد ذات اقدس او نمی توان گفت که هر روی عرش نشسته است؛ زیرا او جسم نیست. خداوند بسیار برتر و والاتر از صفات مخلوقین است.

اما درباره این قسمت از آیه که می فرماید: «لِیَلُوکُمْ اَیُّکُمْ اَیُّسَنَ عَمَلًا» می فرماید: منظور این است که خداوند آنها را آفرید تا به طاعت و عبادت و تکالیف خود آنها را بیازماید، اما نه به عنوان امتحان و آزمایش، زیرا او همه چیز را می دانسته است. (شیخ صدوق، بی تا:

۱/ ۱۳۸ - ۱۳۷)

در مقایسه تفسیرهای مختلف از این آیه تفاوت های هر یک به چشم می خورد، تفسیر



کشف در مورد علت آفرینش آسمان ها و زمین در شش روز، سکوت کرده و هیچ گونه تفسیری ارائه نکرده است و در مورد « وکان عرشه علی الماء » چون همه تفاسیر نتیجه گرفته است که خلقت عرش و آب پیش از آسمان ها و زمین بوده است اما در مورد جسم بودن خداوند یا نیاز به مکان و جا (عرش) از ساحت مقدس الهی رفع اتهام نکرده است و از چرایی آفرینش عرش توضیحی ارائه نکرده است و با مطالعه آنچه که طبری در جامع البیان درباره این آیه آورده است به نظر می رسد ایشان در مورد تقسیم بندی این شش روز و آفرینش پدیده یا موجوداتی در هر کدام از این روزها سخن رانده است بدون اینکه فلسفه ذکر این تقسیم بندی ها را بیان دارند و گاهی تقسیم بندی های ذکر شده با عقل و منطق سازگار نیست. طبری در مورد آفرینش عرش بر آب نتیجه گرفته است که پیش از خلقت آسمان ها و زمین عرش و آب وجود داشته اما در خصوص جسم نبودن خداوند، دلیل آفرینش عرش برای خویش و آیا اصلاً خداوند نیازی به عرش دارد یا خیر؟ تفسیری انجام نداده است. ذکر روایت های مختلف در مورد آفرینش زمین و آسمان ما را به یاد اسرائیلیاتی می اندازد که در کتب روش تفسیری از آن بحث می شود برخی مطالب درباره اسرائیلیات، تفسیر طبری یا راویان مورد استناد وی ما را در تفسیرهای ارائه شده ایشان درباره این آیه به شبهه انداخت به طوری که این خلدون در «مقدمه العبر» می نویسد: «علت توسعه اسرائیلیات آن است که عرب ها، اهل کتاب و علم نبودند بلکه چهره یادیه نشینی و امی بودن بر آنها غالب بود و هنگامی که برای یافتن مسابلی درباره آغاز جهان، اسرار وجود و حوادث روزگار مشتاق می شدند، به سوی اهل کتاب می رفتند و از آنها بهره می بردند» (ابن خلدون، بی تا: ۴۳۹)

جوامع الجامع طبرسی نیز هیچ توضیحی در مورد شش روزه بودن آفرینش و فلسفه آن، جسم نبودن خداوند و دلیل آفرینش عرش ارائه نداده است و تفسیر اثنا عشری که خود جمع کننده بسیاری از تفاسیر شیعه می باشد تفسیر امام رضا (ع) را به عینه از ایشان نقل کرده، در مورد آفرینش شش روزه آسمان ها و زمین به نحو منطقی توضیح داده است و آن را دلیل بر حکمت خداوند یا به جهت مصلحتی یا اعلام حدوث موجودات می داند. در



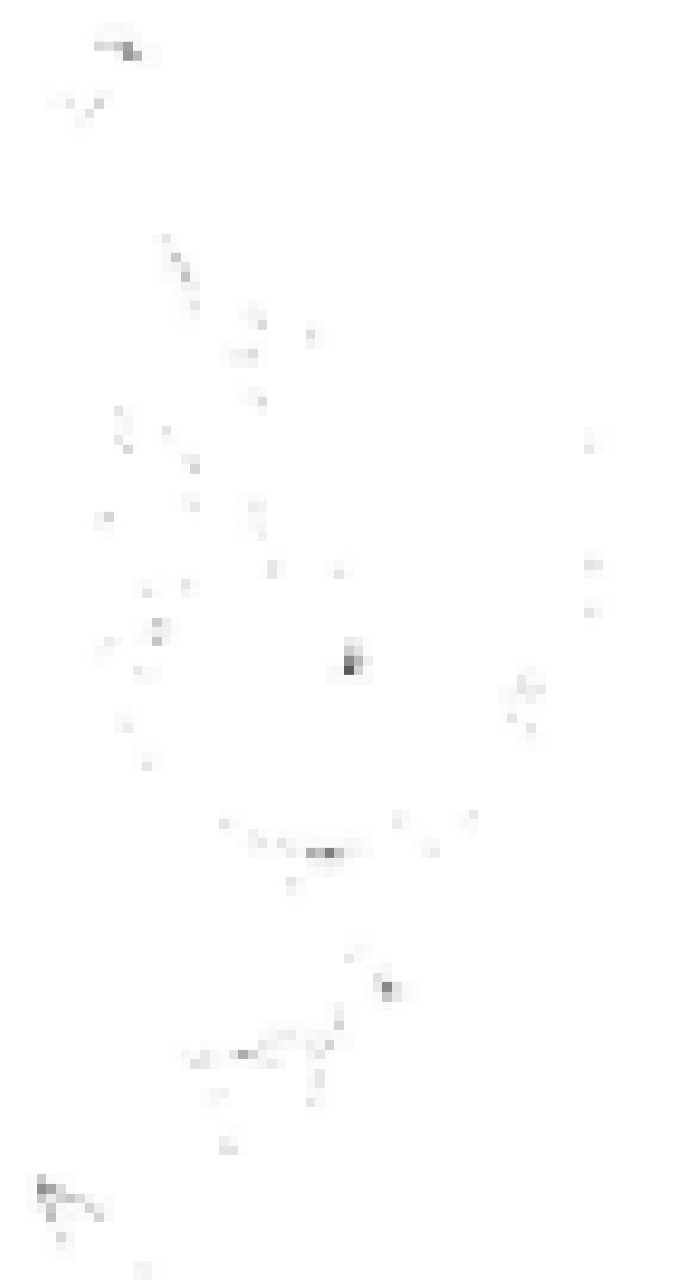
مجموع تفسیراتنا عشری، تفسیری افزون بر آنچه امام رضا علیه السلام فرموده ارائه نکرده است. آیه:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...»

در تفاسیر علمی بسیار به آن اشاره شده است. شیوه اغلب تفاسیر هم در توضیح و تفسیر این آیه علمی بوده است. امام رضا (ع) نیز این آیه را کاملاً علمی تفسیر می کند و البته تفسیر ایشان همان گونه که مشاهده شد از همه تفاسیر مفیدتر و واضح تر بوده و در مواردی که همه سکوت داشته اند (مثل عدم نیاز ساحت باری تعالی به عرش و مکان) ایشان به تفصیل بحث کرده اند.

نتیجه گیری

امام رضا (ع) به عنوان هشتمین امام شیعیان رسالت تفسیر قرآن کریم را براساس شرایط زمانه خویش و ابهاماتی که وجود داشته برعهده داشته اند، تفسیر امام رضا (ع) بیشتر پرداختن به تعیین مصداق، تأویل و کنه آیات بوده است. از تفسیرهای لغوی، بلاغی، ادبی، فلسفی و... پرهیز کرده؛ شاید به این دلیل که ایشان وظیفه خویش را پرداختن به اصل و حقیقت آیات می دانستند. ایشان رسالت دفاع از حقوق ائمه اطهار علیهم السلام، پیامبر اسلام (ص) و دیگر پیامبران صلوات الله علیهم را درصدر اهتمام خویش قرار داده و بسیاری از آیات را که در این خصوص ابهامات را می زدوده تفسیر کرده است و شیوه های تفسیری ایشان به تناسب آیات، متفاوت بوده اما متقن ترین شیوه را استعمال می کردند، از جمله تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر مآثور از پیامبر و تفسیر عقلی، کلامی و علمی و به تناسب برخی آیات که دارای موضوع فقهی هستند به تفسیر فقهی اقدام کرده اند. از تفاسیر روایی و اسرائیلیات پرهیز کرده اند و به تناسب مخاطبان و شاید در حد شرایط و درک مخاطبان، به تفاسیر خلاصه و مفید دست زده اند. به هر حال از مقایسه تفاسیر مختلف در آیات مذکور در این پژوهش و همچنین آیاتی که محدود بودن این پژوهش، ما را از ذکر آنها باز داشت این



- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق. بهار آدرجات، قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ق. ترجمه تفسیر جامع الجامع، ترجمه گروه مترجمان، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ق. تفسیر جامع الجامع، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، حوزه علمیه قم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق. جامع کتب فی تفسیر قرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
- علامه طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۵۰ق. قرآن در اسلام، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عباسی، محمد بن سعید، ۱۳۸۰ق. تفسیر عباسی، تهران: چاپخانه علمیه.
- کلبینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق. تکافی، با تصحیح عنی کبرقاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق. بحار انوار الجامعه لندره الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: موسسه الوفا.
- عرفت، محمد هادی، ۱۴۱۹ق. التفسیر و التفسرون فی نوبه التفسیر، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علم اسلامی رضوی.
- نهایمی، احمد، ۱۹۴۰م. جواهر البلاغه، چاپ دوم، تهران: انتشارات مصطفوی.